

## بررسی نقش جنبش حماس در تحولات سیاسی فلسطین اشغالی

علی علینقی پور<sup>۱</sup>

### چکیده

اشغال فلسطین بوسیله رژیم صهیونیستی، مهم‌ترین مسئله جهان اسلام در صد سال اخیر محسوب می‌شود. به‌رغم تصویب قطعنامه ۱۸۱ سازمان ملل متحد مبنی بر تشکیل دو دولت عربی و یهودی، دولت اسرائیل بوجود آمد؛ ولیکن دولت فلسطینی - که در قطعنامه پیش بینی شده بود - هیچ‌گاه به صورت کامل تشکیل نشد. در این میان گروه‌های فلسطینی از جمله حماس و ساف تلاش‌های مستمری در آزادسازی سرزمین‌های اشغالی داشته‌اند. با این وجود این گروه‌ها در ارتباط با تشکیل دولت مستقل و مناسبات با رژیم صهیونیستی با یکدیگر اشتراک نظر کامل ندارند. جنبش حماس در پی وقوع انتفاضه در ۱۹۸۷م رسماً اعلام موجودیت کرد. این جنبش با مشارکت در انتفاضه و مخالفت با قرارداد ۱۹۹۳م اسلو توانست به تأثیرگذاری در فضای سیاسی فلسطین بپردازد. در پی آن جنبش حماس با پیروزی در انتخابات شهرداری‌ها در دسامبر ۲۰۰۴، به دنبال کسب اکثریت در مجلس قانونگذاری فلسطین برآمد. بررسی فعالیت‌های جنبش حماس از زمان تأسیس تا عصر حاضر هدف اصلی پژوهش حاضر می‌باشد که براین اساس اطلاعات مورد نیاز به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده است.

**واژه‌های کلیدی:** فلسطین، جنبش حماس، ساف، رژیم صهیونیستی.

۱. کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه مفید Ali.Alinaghypour@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۱۵

از دهه‌ی ۴۰ میلادی که رژیم صهیونیستی اعلام موجودیت کرد تا به امروز مسئله‌ی ملت فلسطین، دولت فلسطینی و حقوق این دولت محل بحث بسیاری از گروه‌های فلسطینی و دولت اسرائیل بوده است. سازمان ملل متحد با تشکیل کمیته‌ی ویژه در پی خاتمه اختلافات گروه‌های فلسطینی و اسرائیلی بود. سرانجام در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ قطعنامه‌ی ۱۸۱ را طبق نظر اکثریت مبنی بر تقسیم فلسطین و تشکیل دو دولت یهودی و عربی با یک پایتخت (بیت المقدس) صادر کرد. پس از آن دولت اسرائیلی در سال ۱۹۴۸ رسماً به عضویت سازمان ملل درآمد. اما دولت فلسطینی که در قطعنامه پیش بینی شده بود؛ هیچ گاه به صورت کامل تشکیل نشد. تنها نماینده‌ی فلسطین در سازمان ملل، سازمان آزادی بخش فلسطین به رهبری یاسر عرفات بود که آن هم نه در قالب دولت که به عنوان یک سازمان رهایی بخش به عضویت ناظر سازمان ملل درآمد. از آن پس تا کنون همواره جناح‌های مختلف فلسطینی برای تشکیل دولت فلسطینی دیدگاه‌های مختلفی را مطرح کردند. در میان این گروه‌ها، حماس دارای اختلاف عمده‌ای بر سر تشکیل دولت فلسطینی مستقل با سایر گروه‌ها دارد. اختلاف دیدگاه در مخالفت یا سازش با رژیم صهیونیستی اصلی‌ترین تنش میان گروه‌های فلسطینی به شمار می‌رود. بر این اساس در این پژوهش به بررسی ابعاد گوناگون پیدایش جنبش حماس، ساختار درونی این جنبش و تأثیرگذاری آن بر تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی پرداخته خواهد شد.

### ۱. پیدایش حماس

حماس مخفف واژه‌ی «حرکه المقاومة الاسلامیه» یعنی جنبش مقاومت اسلامی است. چنین واژه‌ای یک هفته پس از قیام مردم فلسطین (انتفاضه) در چهاردهم دسامبر ۱۹۸۷ در سرزمین اشغالی اعلام شد. (شیرودی، ۱۳۸۱: ۲۵۶) شکل‌گیری این جنبش به



دست شیخ احمد یاسین از میان نیروهای اخوان المسلمین فلسطین با انتشار منشور حماس در ۲۶ ماده در اوت ۱۹۸۸ صورت گرفت. این منشور در بردارنده‌ی فلسفه‌ی جنبش، اصول اعتقادیان و مواضع سازمان نه تنها در قبال موضوعات محوری همچون مسئله فلسطین بلکه در زمینه‌ی رفاه اجتماعی، نقش زنان، سایر حرکت‌های اسلامی، حرکت‌های ملی گرا و ساف، کشورهای عربی و... می‌باشد. (ابوعمر، ۱۳۷۲: ۲۸-۵۱) محتوای منشور با مواضع اخوان المسلمین تفاوتی ندارد. آنچه‌انکه در ماده‌ی ۲ منشور بیان گردیده، حماس شاخه‌ای از جمعیت اخوان المسلمین است. در این منشور بیشتر به مسئله‌ی فلسطین و عنصر جهاد تاکید به عمل آورده است. منشور سازمان در خصوص فلسطین بیان می‌دارد که سرزمین فلسطین ودیعه‌ای اسلامی است که متعلق به تمامی نسل‌های مسلمان تا روز رستاخیز می‌باشد و واگذاری تمام و یا قسمتی از آن جایز نیست.

در نظر حماس تنها راه حل مشکل فلسطین در ریشه کن ساختن اسرائیل و تأسیس یک دولت اسلامی به جای آن نهفته است. این منشور همچنین سه عنصر را در رابطه با قضیه‌ی فلسطین یادآور می‌شود که عبارت‌اند از: فلسطینی‌ها، اعراب و اسلام. هر یک از این سه نقش خاص خود را در مبارزه علیه اسرائیل به عهده دارند. (ماده‌ی ۱۴ منشور حماس) حماس صلح با اسرائیل را نپذیرفته و آزادی فلسطین به عنوان یک سرزمین موقوفه‌ی اسلامی از طریق جهاد را برای هر مسلمانی یک واجب عینی می‌داند. همچنین تنها راه مسئله‌ی فلسطین را، زندگی یهودیان و مسیحیان در صلح و تحت سایه‌ی امن اسلام می‌داند. (کاظمی کرهودی، ۱۳۸۱: ۶۹) در واقع تولد حماس حاصل تحول استراتژی اخوان المسلمین به مرحله‌ی عمل یا جهاد واقعی بود که در انتفاضه صورت گرفت. (کدیور، ۱۳۷۴: ۱۶۷)

در خصوص مذاکرات صلح، منشور چنین بیان می‌دارد. تمام آنچه که راه حل‌های صلح آمیز و کنفرانس‌های بین‌المللی برای حل مسئله‌ی فلسطین خوانده می‌شوند، همگی با دکترین جنبش مقاومت اسلامی در تعارض‌اند؛ زیرا صرف نظر کردن از بخشی از سرزمین مادری به منزله‌ی صرف نظرکردن از قسمتی از ایمان و مذهب است. (ماده‌ی ۱۳ منشور حماس)

با ملاحظه منشور، هیچ راه حلی جز جهاد برای حل مشکل فلسطین وجود ندارد؛ هنگامی که قسمتی از سرزمین‌های اسلامی تحت اشغال دشمن درآید، جهاد بر همه مسلمانان لازم و واجب می‌گردد. (ماده‌ی ۱۵ منشور حماس) بنابراین تمامی ابتکارات صلح عبارت از اتلاف وقت و اعمال بیهوده می‌باشد. در همین راستا حماس با کنفرانس صلح مادرید در ۱۹۹۱ مخالفت کرد و به ضدیت خود با مشارکت در مذاکرات جاری اعراب و اسرائیل ادامه داد. این سازمان خواستار خروج فوری فلسطینیان از اینگونه مذاکرات بود.

حماس مبارزات مسلحانه را وسیله‌ای می‌داند که مانع نقشه‌های اسرائیل برای رفع بیگانگی از خود و پیوستن به منطقه خواهد شد. تلاشی برای بیداری مسلمین و اعراب لازم است و می‌تواند امنیت فلسطین را حفظ کند، صهیونیست‌ها را از حمله باز دارد و مشعل مبارزه را فروزان نگه دارد. با این حال حماس اعلام می‌کند که در حملات خود حداکثر کوشش را به کار می‌گیرد تا به غیر نظامیان آسیبی نرسد و عملیات مختلف به اهداف نظامی محدود شود. (صفا تاج، ۱۳۸۸: ۸-۱۱) ظهور حماس را می‌توان حاصل ظهور جنبش جهاد اسلامی، تأسیس حزب الله لبنان، تشدید سیاست سرکوبگرانه‌ی اسرائیل، رکود جنبش‌های غیر اسلامی فلسطین و نیز ظهور موج بیداری اسلامی متأثر از وقوع انقلاب اسلامی ایران دانست، فضایی که در آن از سویی مسئله‌ی فلسطین از اولویت‌های نخست کشورهای عربی خارج شده بود و از جانب دیگر،



انقلاب فلسطین از رویارویی با پروژه‌ی صهیونیسم به سمت همزیستی با آن در حرکت بود. (روند تشکیل...، ۸۶/۴/۱۵/۱۵: ۱۴-۱۵)

## ۲. ساختار حماس

حماس همانند گروه اخوان المسلمین از شورای عمومی، کمیته‌ی مرکزی، دفتر سیاسی و هسته‌های مشابه تشکیل شده که دارای کمیته امنیتی موسوم به مجلد، کمیته‌های تبلیغاتی، سیاسی، نهاد بررسی روند انتفاضه، بسیج ملی، جناح نظامی و دفتر رسیدگی به امور سرزمین‌های اشغالی است. (ملابراهیمی، ۱۳۸۲: ۲۱۸/۱) فعالیت کلی حماس از طریق سه دستگاه دفتر سیاسی، دفتر تبلیغاتی و بازوی نظامی (گردان‌های قسام) دنبال می‌شود.

هدایت جنبش به عهده‌ی دفتر رهبری است که خود تحت نظر مجلس شورا عمل می‌کند. اعضای مجلس شورا به طور مستقیم از سوی اعضای جنبش انتخاب می‌شوند و اعضای گروه نیز دو دسته‌اند: گروهی از آن‌ها ضمن حضور در حماس، به عضویت خود در اخوان المسلمین ادامه می‌دهند. که این افراد از نفوذ و تاثیرگذاری بیشتر به خصوص در لایه‌های جنبش برخوردارند. دسته‌ی دوم، اسلامگراها یا نزدیکان خط مقاومت هستند که به دلایل مختلف عضو جماعت اخوان المسلمین نشده‌اند. (الحمد و برغوثی، ۱۳۸۲: ۴۲-۴۴) حماس دارای دو جناح سیاسی و نظامی است و تمایز میان این دو جناح آسان نیست. مهم‌ترین رهبران حماس خالد مشعل، اسماعیل هنیه، موسی ابومرزوق، محمود الزهار، عزیز دوبک و شیخ حسن یوسف هستند.

حماس پس از شکل‌گیری با انجام فعالیت‌هایی در میان توده مردم محبوبیت‌های کسب کرد. بخشی از بودجه‌ی سالانه‌ی تقریباً ۷۰ میلیون دلاری حماس صرف شیرخوارگاه‌ها، کودکانستان‌ها، کلوپ‌های ورزشی و اجتماعی، کتابخانه‌ها و سایر انجمن‌های مشابه و همچنین دانشگاه اسلامی تحت اداره‌ی آن سازمان صرف می‌شود.



این جنبش همچنین کمک‌های مالی و بورسیه به دانشجویانی می‌دهد که خواهان ادامه تحصیل در عربستان یا غرب هستند. (روزنامه‌ی جام جم، ۹۱/۹/۷: ۱۰)

در مورد نیازهای مالی و سرمایه‌گذاری جنبش حماس باید گفت رهبری و کادر اجرایی آن از خصیصه‌ی اعتدال در مصرف و عدم فساد مالی برخوردار است. مصارف زیر بنایی آن به کلی محدود است. حماس در تأمین مالی خود به چند منبع متکی است که مشخص‌ترین آن‌ها کمک‌های محلی و اعانات از جانب افراد و جنبش‌های اسلامی و برخی دولت‌های مشخص می‌باشد.

در خصوص منابع محلی در درون مناطق اشغالی، افراد حقیقی به طور مستقیم کمک‌هایی در اختیار جنبش گذاشته و یا به کمیته‌های زکات یا سایر نهادهایی که توسط حماس اداره می‌شوند تحویل می‌دهند. مبالغ جمع‌آوری شده از زکات در جهت فعالیت‌های حماس در کمک به فقرا، ساختن مساجد، مدارس و سایر امور خیریه به کار می‌رود. همچنین کمک‌های مسلمانان سراسر جهان حتی آمریکا و اروپا، اعانات توسط اشخاص پشتیبان حماس و یا سازمان‌های اسلامی در کشورهای مختلف جمع‌آوری می‌شود.

کمک‌های مالی به منظور مقاومت در برابر اشغالگران اسرائیلی و تقویت گرایشات اسلامی در برابر جریانات سکولار در سرزمین‌های اشغالی، از سوی کشورهای مختلف بویژه اردن، مصر، عربستان، کشورهای حوزه خلیج فارس، سودان، اردن، ایران و سایرین دریافت می‌شود. سایر منابع مالی حماس عبارت‌اند از کمک‌های ساف (به توصیه‌ی یاسر عرفات) و نیز احتمالاً پروژه‌های سرمایه‌گذاری متعلق به حماس، اگر چه جنبش حماس مالکیت خود بر پروژه‌های سودآور را تکذیب کرده است. (ابوعمر، ۱۳۷۲: ۲۸-۵۱)

### ۳. فرایند شکل‌گیری حماس و تأثیرگذاری بر تحولات بین‌المللی



تولد حماس، حاصل تحوّل استراتژی در جنبش اخوان المسلمین به مرحله‌ی عمل یا جهاد واقعی بود. این تحوّل، طی چهار مرحله‌ی اساسی صورت گرفت:

مرحله‌ی اول؛ سازماندهی هسته‌ی اولیه کادرهای حماس و اخذ مجوز تأسیس مجمع اسلامی به عنوان جمعیت آزاد خیریه در سال ۱۹۷۳ از رژیم صهیونیستی.

مرحله‌ی دوم؛ طی سال‌های ۱۹۷۶-۱۹۸۱ با نهاد سازی و توسعه‌ی دامنه‌ی جنبش از طریق گسترش حوزه‌ی جغرافیایی.

مرحله‌ی سوم؛ انتقال به عرصه‌ی مقاومت در سال‌های ۱۹۸۱-۱۹۸۷ با آماده سازی برای نبرد مسلحانه و تنظیم دستگاه‌های اجرایی جهت رسیدن به دوران کسب نفوذ سیاسی.

مرحله‌ی چهارم؛ در نهایت با موجودیت جنبش و اعلام استراتژی در سال ۱۹۸۸ به صورت رسمی در صحنه‌ی فلسطین ظاهر شد. (رضوی، ۱۳۸۴: ۱۰۵-۱۲۰)

از زمان اعلام استراتژی و اعلام موجودیت جنبش مقاومت اسلامی حماس در سال ۱۹۸۸ سه استراتژی در مقاطع زمانی مختلف از سوی این جنبش دنبال شده است.

این سه راهبرد عبارت‌اند از: مشارکت در قیام عمومی مردم فلسطین موسوم به انتفاضه، مخالفت جدی با قرارداد ۱۹۹۳ اسلو و مشارکت در فعالیت‌های سیاسی با حفظ اصول

اساسی جنبش از جمله عدم به رسمیت شناختن اسرائیل و ادامه‌ی مقاومت. (فرهادی نیا، ۱۳۷۹: ۵۳-۷۷)

### ۳-۱. حماس در دوران انتفاضه

انتفاضه واژه‌ای است که از سال ۱۹۸۷ وارد واژگان انقلابی<sup>۵</sup> سیاسی مصطلح روزمره شده است. حرکت انتفاضه پیش از آنکه یک حرکت نظامی و سیاسی باشد، یک حرکت دینی و فرهنگی است. انتفاضه ریشه در عواملی همچون انقلاب اسلامی ایران،

ناامیدی مردم فلسطین از ارتش‌های آزادی بخش غربی، ناتوانی گروه‌های نظامی و سیاسی لائیک در نجات فلسطین، سیاست سرکوب بی رحمانه‌ی فلسطینی‌ها توسط رژیم صهیونیستی، یأس و ناامیدی مسلمانان فلسطین از سران دول عرب، سازمان‌های بین‌المللی و قدرت‌های سلطه‌گر جهانی داشت. براین اساس اسلام تنها راه نجات مردم فلسطین معرفی شد. (خدادادی، ۱۳۸۳: ۶۳-۸۸) این پدیده‌ی نوین کاملاً بر عنصر فرهنگ اسلامی استوار است و مذهبی بودن، همواره مشخصه‌ی اصلی این پدیده به شمار می‌رود. (صادقی زاده، روزنامه رسالت، ۸۵/۸/۱۴)

انتفاضه به صورت خودجوش و بدون هیچ گونه تصمیم سیاسی از سوی گروهی سازمان یافته، فوران پیدا کرد و اخوان المسلمین را همانند ساف غافلگیر کرد. در هشتم دسامبر ۱۹۸۷ یک تصادف موتوری در نوار غزه روی داد که طی آن یک کامیون اسرائیلی با چند وسیله‌ی نقلیه‌ی کوچک که کارگران فلسطینی را حمل می‌کرد، برخورد نموده و تعدادی از کارگران کشته شدند، آشوب جرقه زد و همه جا را فراگرفت و آنچه که امروز انتفاضه خوانده می‌شود از آن سر برآورد. روز بعد از آن، اعضای برجسته‌ی اخوان المسلمین در نوار غزه با یکدیگر ملاقات کردند تا درباره‌ی راه‌های بهره برداری از حادثه‌ی مزبور، به منظور تحریک احساسات مذهبی و ملی و اطمینان از گسترش تظاهرات مردمی به گفتگو بپردازند. این ملاقات در منزل احمد یاسین مؤسس المجمع الاسلامی برگزار گردید. سایر رهبران برجسته‌ی المجمع الاسلامی نیز در آنجا حضور داشتند. گروه مزبور طولی نکشید که به طور مرتب ملاقات‌هایی را به منظور مطالعه‌ی طرح‌های احتمالی رویارویی با وضعیت به سرعت تحویل یابنده به عمل آورند. در ۱۴ دسامبر رهبران اخوان المسلمین بیانیه‌ای صادر کردند که در آن از مردم خواسته شده بود در مقابل اشغالگران از خود ایستادگی نشان دهند. حماس با عطف به اعلامیه‌ی مزبور از آن به عنوان نخستین نشریه یادکرد.





هرچند که این سازمان هویت خود را تا ژانویه ۱۹۸۸ هنگامی که نشریاتی با نام حماس صادر کرد بروز نداد. (ابوعمر، ۱۳۷۲: ۲۸-۵۱) در آن ماه شیخ یاسین، یکی از فعالان اخوان المسلمین به نام شیخ جمیل حمامی را مأمور تأسیس شعبه‌ای از حماس در آن ناحیه، با همکاری یاران وی نمود.

بنابراین حماس واسط میان شیخ یاسین از یک طرف و رهبری اخوان المسلمین در اردن از سوی دیگر بود. در واقع واکنش اخوان المسلمین در قبال قیام، موضع بحران‌های درونی سازمان مذکور بوده است. در کرانه‌ی غربی، خصوصاً طبقه‌ی جوان تر از اخوان المسلمین بسیار مشتاق شرکت در قیام علیه اشغال‌گران بودند. تنها در زمانی که انتفاضه کاملاً جریان یافت و حماس به صورتی فعال در انتفاضه شرکت جسته بود، اختلاف میان عملگرایان جوان و رهبران سنتی به پایان رسید.

مسئله‌ی مشارکت در انتفاضه صرفاً یک پدیده جدید در مقابل قدیم نیست که شرایط تازه اخوان المسلمین را با یک مشکل پیچیده ایدئولوژیک مواجه ساخته است. از یکسو با فرض وقایع بی سابقه‌ای که در فلسطین به وقوع پیوسته و فشارهای درونی در داخل جنبش، به لحاظ سیاسی، برای یاسین و سایر رهبران این امکان وجود نخواهد داشت که به اخوان المسلمین اجازه دهند تا در حاشیه باقی بماند. (خصوصاً با توجه به رقابت اخوان و ساف) (همانجا)

از دیگر سو، برای گروه مزبور توجه پیوستن به انتفاضه در شرایطی که مواضع سابق آن کاملاً شناخته شده بود، امر آسانی نبود. براساس نظر شیخ یاسین به عنوان راه حلی خارج از شرایط موجود، سازمان مجزایی به طور صوری تشکیل می‌شد که خارج از تشکیلات اخوان المسلمین، مسئولیت‌های مشارکت در انتفاضه را تقبل نماید. و اگر انتفاضه شکست خورد، اخوان المسلمین، حماس را رو کند و از مجازات‌های اسرائیل

به خاطر مشارکتش در انتفاضه خلاصی یابد و اگر انتفاضه پیروز شد، اخوان المسلمین می‌توانست با این ادعا که حماس از آن اوست منافی تحصیل نماید.

نقش فعال حماس در انتفاضه و آگاهی روزافزون از روابط آن با اخوان المسلمین، به سازمان اخیر اعتباری بخشید که به آن نیاز داشت؛ زیرا که ساف عدم مشارکت اخوان المسلمین را در مبارزات نظامی مورد انتقاد قرار داده بود. در واقع اخوان المسلمین عملاً دو سازمان مزبور را در برابر هم انگاشت، و یاسین و هم قطاران وی برحسب میدان دید سیاسی‌شان، بسیار پرآوازه و کمتر ملاحظه کار گردیدند. دیری نپایید که حماس در حقیقت به صورت نیرویی درآمد که نمی‌توانست مورد اغماض قرار گیرد و به علاوه همچون رقیبی جدی در برابر نیروهای سکولار تحت رهبری ساف تبدیل شد. حماس در سال ۱۹۸۸، برای اولین بار تلاش کرد که به طور مستقل مردم را به اعتصاب فراخواند که این اقدام، با مخالفت عناصر ملی‌گرا روبرو شد. این واقعه نشان داد که حماس ابتکار عمل را در دست گرفته به همین دلیل ساف را به علت پذیرش قطعنامه‌های سازمان ملل به بار انتقاد گرفت. (فرهادی نیا، ۱۳۷۹: ۵۳-۷۷)

حماس تا پایان سال اول انتفاضه با گسترش پایگاه اجتماعی خود در کرانه‌ی باختری و نوار غزه حمایت سی تا چهل درصد مردم را جلب کرد. در این زمان، اسرائیل سعی داشت به طور غیر مستقیم و عدم ایجاد مانع در راه فعالیت‌های آن از حماس در جهت تضعیف نقش ساف حمایت کند؛ اما در سال ۱۹۸۹، بعد از ربوده شدن و قتل دو نفر از سربازان اسرائیل به دست رزمندگان فلسطینی و مشارکت حماس در این عملیات، حدود سیصد تن از اعضای حماس<sup>۵</sup> از جمله شیخ احمد یاسین - دستگیر و فعالیت آن‌ها به طور رسمی ممنوع شد. (همانجا)

ورود حماس به عنوان جنبش مقاومت اسلامی به روند مبارزات رهایی بخش مردم فلسطین، عنصر اسلامی مقاومت در صحنه‌ی فلسطین را که در اوایل دهه‌ی هشتاد با



شکل گیری جنبش جهاد اسلامی به رهبری شهید دکتر فتحی شقاقی خود را نشان داده بود، قدرتمند ساخت و پس از این تاریخ بود که تفکر مقاومت اسلامی در صحنه ی فلسطین، به تفکر غالب در انقلاب فلسطین تبدیل شد. (روند تشکیل...، ۱۵/۱۵/۸۶/۴: ۱۴-۱۵)

هر چند جنبش حماس در جریان انتفاضه ی اول، با ایجاد ارتباط میان امکانات و توانایی های خود و استراتژی این جنبش در مقابله با اشغالگران، نگرش واقع گرایانه ی خود را به اثبات رساند، با شکست مذاکرات کمپ دیوید ۲، در سال ۲۰۰۰، انتفاضه ی دوم با انجام عملیات های شهادت طلبانه ی زیادی از سوی حماس شعله ور و توازن وحشت علیه رژیم صهیونیستی ایجاد شد. (یوسف، جنبش حماس و ...، پایگاه اطلاعاتی فلسطین)

در واقع پس از ایجاد ناامنی برای صهیونیست ها، در مناطق مسلمان نشین فلسطین، آوریل شارون در ۲۸/۰۹/۲۰۰۰ به حرم شریف قدس رفت و در مصاحبه ای وعده داد که امنیت را برای صهیونیست ها به مناطق مسلمان نشین باز گرداند. با ورود شارون به بیت المقدس تظاهرات وسیعی در سراسر فلسطین بر علیه وی به راه افتاد و انتفاضه ی دوم آغاز شد.

محرکه هایی که انتفاضه ی ملت فلسطین را در سال ۲۰۰۰ به حرکت درآورد، نوعاً با محرکه های انتفاضه ی ۱۹۸۷، مختلف است. در سال ۲۰۰۰ مجموعه ای از عوامل عمل کننده و محرک از جمله حرکت مردمی فلسطین برای رویارویی با ستیزه جویی های اسرائیل در برپایی دولت مستقل فلسطین به پایتختی بیت المقدس از سوی اسرائیل، تلاش برای تصدی و سیطره اسرائیل بر مقدسات مسیحیان و مسلمانان، به علاوه عامل برخورد ضعیف رهبری فلسطین در برابر اسرائیل و ارائه تخفیف های بسیار به اسرائیل زمینه ساز خیزشی فراگیر شد. بارزترین ضعف، اعتراف رهبری مزبور به



قطعه‌نامه ۲۴۲ می‌باشد که به مفهوم کوتاه آمدن ضمنی از ثلث سرزمین‌های فلسطینی است که اسرائیل آن‌ها را در ۱۹۴۸ به اشغال خود در آورده و سپس عواملی که ناشی از عملکرد مایوسانه و بی‌اعتماد گرایانه‌ی آنان می‌باشد. (سعد ابوعامد، ۱۳۸۰: ۱۰)

عوامل دیگر همچون عوامل مذهبی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد که زمینه ساز انفجار انتفاضه‌ی دوم شد. جنبش حماس در شکل‌گیری و تداوم انتفاضه‌ی دوم، نقشی ویژه و ممتاز داشت. به همین دلیل، دو رهبر کلیدی و تأثیرگذار از نسل مؤسسان جنبش حماس (شیخ یاسین و دکتر رنتیسی) مورد هدف قرار گرفته و به شهادت رسیدند. (روند تشکیل...، ۸۶/۴/۱۵/۱۵: ۱۴-۱۵) به دنبال انتفاضه‌ی الاقصی در کمتر از چهار ماه، پانزده عملیات شهادت طلبانه انجام شد که سهم حماس بیش از ده عملیات بود. تلفات صهیونیست‌ها در سال اول انتفاضه‌ی الاقصی، ۱۶۳ کشته و صدها مجروح بود. (صفا تاج، ۱۳۸۸: ۱۰۸-۱۰۹)

جنبش حماس، به دلیل سیاست متعادل آن در جنگ دوم خلیج فارس، از کمک‌های مالی عربستان سعودی بهره‌مند شد؛ اما جنگ دوم خلیج فارس، آثار منفی زیادی را بر قضیه‌ی فلسطین گذاشت، به طوری که به دنبال آن، با تشکیل کنفرانس صلح مادرید، مذاکرات مخفیانه‌ی ساف و اسرائیل به قرارداد اسلو منجر و عرفات متعهد به توقف انتفاضه شد. همچنین اقدام‌های سرکوبگرانه‌ی اسرائیل در قالب حملات هوایی به مردم بی‌دفاع فلسطین و محاصره‌ی مناطق فلسطینی نشین با بسته شدن گذرگاه میان مناطق فلسطین تشدید شد. بنابراین، شرایط، جنبش حماس را مجاب کرد تا در قبال اعمال مسلحانه‌ی خود علیه اسرائیل ملاحظاتی را رعایت کند.

### ۲-۳. مخالفت حماس با قرارداد اسلو:

با وجود تشدید فشارهای اسرائیل بر فلسطینی‌ها و دستگیری و اخراج تعدادی از رهبران حماس، با تلاش موسی ابومرزوق، بخش سیاسی جنبش حماس برای جمع



آوری کمک‌های مالی و ارتباطات بین‌المللی فعال، و واحد نظامی آن در سال ۱۹۹۱، تحت عنوان گردان‌های عزالدین قسام تشکیل شد و مسئولیت حملات نظامی را به عهده گرفت. (فرهادی نیا، ۱۳۷۹: ۵۳-۷۷)

با تشکیل بازوی نظامی، مخالفت علنی این جنبش نسبت به روند سازش ساف با انجام دادن عملیات‌های بزرگ علیه رژیم صهیونیستی دنبال شد. اما در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۹۸ این جنبش از دو سو (دشمن صهیونیستی و نیروهای امنیتی تشکیلات تازه تأسیس خودگردان) تحت تعقیب قرار گرفت و تعداد زیادی از رهبران و کادرهای نظامی سیاسی جنبش، ترور و یا دستگیر شدند. (روند تشکیل...، ۱۵/۱۵/۸۶/۴: ۱۴-۱۵) اگرچه تبعید چهارصد تن از فعالان حماس و جهاد اسلامی به لبنان در سال ۱۹۹۲، مذاکرات صلح را با چالش روبرو کرد و هم‌دردی عرفات را به دنبال داشت؛ اما قرارداد صلح اسو، مخالفت حماس با مذاکرات صلح اعراب و اسرائیل را موجب شد و در نتیجه‌ی آن، ابتدا به علت امیدهای واهی مردم فلسطین درباره‌ی قرارداد، محبوبیت حماس کاهش یافت و حمایت از عرفات به میزان شصت درصد رسید. البته، شکست عرفات در اجرای سیاست‌های خود و کارشکنی‌های اسرائیل موجب کاهش محبوبیت عرفات و افزایش محبوبیت گروه‌های اسلامی در چند سال بعد شد.

جنبش حماس در مخالفت با قرارداد اسلو به این دیدگاه سیاسی تکیه کرد که این قرارداد استقلال و حاکمیت واقعی و همه‌جانبه را برای ملت فلسطین به ارمغان نخواهد آورد. مضافاً براین، قرارداد مزبور از بخشی از اراضی فلسطین چشم‌پوشی می‌کند و این چیزی است که حماس آن‌را نادیده گرفتن جنبه‌هایی از باورهای دینی می‌داند. از این رو حماس همچنان -حتی پس از امضای قرارداد اسلو- آزادسازی کرانه



باختری و کامل کردن آزادی نوار غزه را در صدر هدف‌های مرحله ای خود قرار داده است.

با امضای قرارداد اسلو در سال ۱۹۹۳ از سوی ساف، حماس به جمع گروه‌های ده گانه ی مخالف پیوست و با وجود تحریم انتخابات مجلس ملی ۱۹۹۵ و تحریم انتخابات ۱۹۹۶ مجلس قانونگذاری، رهبران حماس به این نتیجه رسیدند که برای دستیابی به هدف اصلی خود ° که همان تأسیس حکومت اسلامی است- باید در فعالیت‌هایی که با تشویق به دموکراسی در ارتباط است، مشارکت کنند. (فرهادی نیا، ۱۳۷۹: ۵۳-۷۷)

### ۳-۳. ورود حماس به صحنه‌ی سیاسی فلسطین

جنبش حماس پس از قرارداد غزه ° اریحا، به صورت صریح و روشن مواضع خود را درباره‌ی ساف نمایان ساخت و از آن تاریخ، سازمان آزادی بخش فلسطین را، تنها نماینده‌ی بخشی از ملت فلسطین دانسته، وارد رقابت بر سر نمایندگی ملت فلسطین با ساف شد. (الحمد و برغوثی، ۱۳۸۲: ۲۷۹)

حماس عدم حضور خود در انتخابات سال ۱۹۹۶ مجلس قانون گذاری فلسطین را عاملی در جهت تقویت موضع ساف و حکومت خودگردان به دلیل مشروعیت مردمی آن‌ها پس از قرارداد اسلو دانست؛ اما به دلیل شیوه‌ی رهبری سازمانی متمرکز عرفات در تشکیلات خودگردان، همچنین عدم تمایل گروه‌های مبارز حماس و جهاداسلامی به شرکت در تشکیلات سیاسی عرفات که موجودیت تشکیلات خودگردان را ناشی از قرارداد غزه ° اریحا می‌دانستند و عدم اجازه‌ی عرفات به برگزاری هرگونه انتخابات پس از انتخابات ۱۹۹۶ حکومت خودگردان و مجلس قانون گذاری فلسطین، تا زمانی که عرفات در قید حیات بود، مشارکتی در فعالیت‌های سیاسی در صحنه‌ی فلسطین نداشت.



با مرگ عرفات و تشدید روند دموکراتیک در اراضی فلسطین اشغالی، همچنین تفاوت دیدگاه ابومازن با عرفات درباره‌ی انتفاضه و مقاومت فلسطینی (ابومازن منتقد صریح انتفاضه بود)، اتخاذ سیاست‌های محتاطانه از سوی کشورهای خاورمیانه در قبال گروه‌های مبارز به دلیل فشارهای فرامنطقه‌ای و تضعیف یا قطع حمایت جهان عرب از فلسطینی‌ها به سبب تحولات دهه‌ی ۹۰ میلادی و حوادث پس از یازدهم سپتامبر، موفقیت حزب الله لبنان به موازات مبارزات نظامی علیه اسرائیل و دستیابی به چند کرسی پارلمان به عنوان مشوق حماس در اقدام مشابه، قرارگرفتن نام گروه‌های مبارز فلسطینی در فهرست سیاه غرب و مسدود شدن دارایی‌شان، حماس به سمت مشارکت سیاسی در صحنه‌ی فلسطینی متمایل شد.

پیروزی حماس در انتخابات شهرداری‌ها در دسامبر ۲۰۰۴، یعنی دستیابی به سی درصد آراء در دو بخش کرانه‌ی باختری و نوار غزه، این گروه را بر آن داشت تا خود را برای ورود به عرصه‌ی انتخابات مجلس قانون گذاری فلسطین و برعهده گرفتن امور اجرایی فلسطین آماده کند. (پاشا قاسمی، ۱۳۸۵: ۹۱-۱۰۴)

در نشست قاهره به سال ۲۰۰۵، پس از آنکه ابومازن، برگزاری انتخابات سالم و آزاد و نیز تجدیدنظر در سازمان آزادی بخش فلسطین را تضمین کرد، حماس وارد یک آتش بس یک ساله با رژیم صهیونیستی شد و خود را برای ورود به انتخابات شوراهای محلی و مجلس قانون گذاری آماده کرد. (خسروی، ۱۳۸۵: ۱-۱۷) بنابراین در پنجم مه ۲۰۰۵ که انتخابات شهرداری‌ها و شورای شهر و روستا در ۷۶ حوزه کرانه‌ی باختری و ۸ حوزه در غزه و با حضور هفتاد درصد مردم کرانه‌ی باختری و هشتاد درصد اهالی نوار غزه برگزار شد، از لحاظ کیفی جنبش حماس برنده‌ی این انتخابات شد و در نوار غزه به اکثریت دست یافت.

این پیروزی روزنامه‌ی هاآرتص را بر آن داشت، تا خواستار اعتراف شارون به قدرت حماس شود و نشریه‌ی فلسطینی المنار مدعی شد، سران آمریکا، از طریق یکی از کشورهای عربی به جنبش حماس و حزب الله لبنان پیام فرستادند که اگر به یک حزب سیاسی تبدیل شوند، آمریکا آن‌ها را به رسمیت خواهد شناخت. شالوم وزیر خارجه‌ی کابینه‌ی شارون هم خواستار جلوگیری از شرکت حماس در انتخابات پارلمانی فلسطین شد. (رضوی، ۱۳۸۳: ۱۶۷-۱۸۲) برخی معتقدند ترور رهبران حماس همچون شیخ احمد یاسین و رنتیسی از سوی اسرائیل و تهدید دیگر رهبران آن، مرگ عرفات و جایگزینی ابومازن، عقب نشینی اسرائیل از نوار غزه، خروج سوریه از لبنان و طرح مسئله‌ی خلع سلاح حزب الله لبنان، در تجدید نظر حماس به سال ۲۰۰۵ در برخی رویکردهایش مؤثر بوده است.

خالد مشعل رئیس دفتر سیاسی حماس در چهاردهم مه ۲۰۰۴، در مصاحبه با خبرگزاری‌ها، دلایل اصلی ورود حماس به عرصه‌ی انتخابات مجلس قانونگذاری را، فساد موجود در دستگاه اجرایی تشکیلات خودگردان، مشکلات معیشتی مردم فلسطین و نیاز رزمندگان حماس به یک دوره‌ی استراحت موقت برای تجدید قوای نظامی خود عنوان کرد. (پاشا قاسمی، ۱۳۸۵: ۹۱-۱۰۴) موسی ابومرزوق معاون رییس دفتر سیاسی حماس ورود این جنبش به عرصه‌ی انتخابات را ناشی از مصلحت اندیشی حماس دانسته و معتقد است برآورد حماس این بود که قدرت بازدارنده‌ای را با پیروزی در انتخابات به دست آورد و از راه هم پیمانی با سایر نیروها در داخل مجلس قانونگذاری، قدرتی را به وجود آورد که حامی مقاومت باشد و قانونی بودن آن را مورد تأکید قرار دهد و از یکه تازی فتح در عرصه‌ی فلسطین جلوگیری کند.

(گفتگو راه...، ۱۵/۱۵/۸۶/۴: ۲-۴)





تشدید روند سیاسی شدن گروه‌های مبارز از جمله حضور اعضای حماس و جهاد اسلامی در انتخابات شهرداری‌ها و اعلام آمادگی جنبش حماس برای رقابت با سایر گروه‌ها در انتخابات شورای قانون گذاری فلسطین، از پی آمدهای فرایند دموکراسی در فلسطین بوده است، فرایندی که موجبات به حاشیه راندن انتفاضه را تا اندازه‌ی زیادی فراهم کرد. (رضوی، ۱۳۸۳: ۱۶۷-۱۸۲) با وجود آنکه جنبش حماس از پایگاه قوی اجتماعی برخوردار بود، اما از سال ۱۹۷۴، سازمان آزادی بخش فلسطین به عنوان نماینده‌ی مردم فلسطین در سطح جامعه جهانی شناخته شده بود. بنابراین، شرکت حماس در انتخاباتی که مورد توافق همگان است، در جهت کسب مشروعیت بین المللی قابل فهم است.

همچنین این جنبش پیش از انتخابات ۲۰۰۶، در انتخابات شوراهای محلی و شهرداری‌ها اهداف خود از شرکت در انتخابات را چنین بیان داشته است؛ احترام گذاشتن به کثرت گروه‌های سیاسی و تقویت مفهوم دموکراتیک و مشارکت در تصمیم گیری‌ها و اصلاحات در تشکیلات خودگردان فلسطین. (حماس به دنبال اصلاحات...، ۱۳۸۴/۳/۱۳) بنابراین جنبش حماس پس از آنکه فضا را برای خدمت رسانی به مردم و اصلاح حیات سیاسی و اجتماعی ملت فلسطین فراهم دید با مشارکت و پیروزی چشمگیر در چندین مرحله از انتخابات شهرداری‌ها در نوار غزه و کرانه‌ی باختری در سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ با قدرت وارد میدان شد و توانست با جلب اعتماد عمومی و تکیه بر عنصر حمایت و مشروعیت مردمی که برخاسته از مشروعیت مقاومتی جنبش بود وارد ساختار رسمی سیاست فلسطین شود. (روند تشکیل...، ۱۵/۴/۸۶: ۱۴-

(۱۵)

#### ۴. روابط خارجی جنبش حماس



درموضوع روابط خارجی حماس، باید به روابط حماس با کشورهای عربی و اسلامی از یکسو و سایر کشورهای صحنه‌ی بین الملل از سوی دیگر اشاره داشت.

#### ۱-۴. روابط حماس با کشورهای عربی و اسلامی

جنبش حماس از طریق برقراری مناسبات با کشورهای عربی و اسلامی قصد دارد حضور سیاسی خود را در منطقه‌ی عربی خاورمیانه تقویت کند. آشنایی دولت‌های عرب با دیدگاه‌های حماس به صورت مستقیم، تعامل مثبت حماس با کشورهای منطقه و جهان در عرصه‌های سیاسی و رسانه‌ای، گشودن فرصت‌های جدید جغرافیایی در برابر تحرک سیاسی حماس، تلاش برای نزدیک کردن دیدگاه سیاسی این کشورها نسبت به مسئله‌ی فلسطین با دیدگاه جنبش حماس، دستیابی به پذیرش رسمی حماس از سوی کشورها، حل مشکلات فلسطینی‌های مقیم این کشورها و بالاخره تلاش برای اخذ کمک‌های مادی و معنوی برای کمک به ملت فلسطین در چهارچوب این هدف جنبش حماس قرار دارد.

جنبش حماس در تعامل با کشورهای اسلامی و عربی از سیاست‌هایی پیروی می‌کند که این سیاست‌ها عبارت است از: برقراری ارتباط با همه‌ی کشورهای عربی و اسلامی صرفنظر از نظام‌های سیاسی و وابستگی‌های ایدئولوژیک آن‌ها و تلاش برای همکاری و هماهنگی با آن‌ها در چهارچوب خدمت به مسئله‌ی فلسطین و منافع ملت فلسطین و عدم مداخله در امور داخلی این کشورها و مخالفت با دخالت این کشورها در امور ویژه‌ی حماس و محدود ماندن فعالیت این جنبش در قلمرو کشمکش با رژیم اسرائیل در سرزمین فلسطین و تلاش برای جلوگیری از انتقال دایره‌ی این کشمکش به این کشورها و مشارکت این جنبش در برقراری آشتی میان این کشورها و مخالفت با برقراری روابط اختصاصی با برخی کشورها علیه برخی دیگر و نیز مخالفت با ورود



در محورهای درگیری و یا کشیده شدن حماس به جانبداری از یک یا چند کشور علیه دیگران.

در روابط جنبش حماس با کشورهای عربی و اسلامی پاره‌ای از معیارهای عملی و نظری وجود دارد که چارچوب این روابط را تعیین می‌کند:

۱. رویکرد اسلامی جنبش حماس از یکسو و میزان دوری یا نزدیکی این کشورها به ایدئولوژی اسلامی و قدرت جنبش‌های اسلامی در این کشورها از سوی دیگر از مهم‌ترین معیارهای حماس در برقراری مناسبات با کشورهای عربی و اسلامی محسوب می‌شود. این معیار موجب شده برخی کشورهای عربی و اسلامی در برقراری روابط با این جنبش، احتیاط کرده یا لاقفل در برقراری آن به دلیل نگرانی از فرصت‌یابی جنبش‌های اسلامی این کشورها دچار تردید شوند. این درحالی است که جنبش حماس در دیدار با مقامات این کشورها همواره روی استقلال خود در تصمیم‌گیری سیاسی به دور از ملاحظات یا فشارهای بین‌المللی علیه جنبش جهانی اسلام و اینکه حماس خود را نماینده‌ی جنبه‌های اسلامی مسئله‌ی فلسطین در مفهوم وسیع آن می‌داند، پافشاری کرده است.

۲. موضع‌گیری در قبال روند مذاکرات صلح یکی از عوامل بازدارنده در پیشرفت روابط جنبش حماس با کشورهای عربی و اسلامی محسوب می‌شود. این مشکل بویژه در مورد کشورهایی صدق می‌کند که خود در روند مذاکرات صلح وارد شده‌اند.

۳. تأثیر روابط این کشورها با ساف بر روابط حماس یکی دیگر از این چالش‌ها به شمار می‌رود. بی‌تردید روابط بسیاری از کشورهای اسلامی بویژه کشورهای عربی با ساف و شناسایی آن به عنوان تنها نماینده‌ی قانونی ملت فلسطین موجب می‌شود توسعه‌ی روابط حماس با این کشورها در اسارت روابط موجود میان ساف و کشورهای مزبور قرار گیرد.

۴. منافع سیاسی دو طرف از این روابط و تاثیر آن بر نقش منطقه‌ای این کشورها.  
 ۵. تاثیر ابعاد ایدئولوژیک هر یک از این کشورهای عربی و اسلامی در کاهش یا افزایش سطح روابط با جنبش حماس.

میزان روابط کنونی کشورهای عربی و اسلامی با جنبش حماس را می‌توان به صورت زیر دسته بندی کرد:

۱. کشورهایی هستند که جنبش حماس به صورت رسمی یا غیررسمی در آنها نمایندگی دارد. کشورهای دیگری هستند که جنبش حماس با مقامات بلند پایه‌ی آنها دیدارهایی دارد. بخشی از این کشورها مواضع سیاسی جنبش حماس را بویژه در مورد روند صلح به صورت آشکار می‌پذیرند. بخشی دیگر به دیدگاه‌های سیاسی حماس نزدیک هستند و بخشی دیگر به طور نسبی از مواضع سیاسی حماس فاصله دارند.

۲. کشورهایی هستند که ارتباط با جنبش حماس با آنها فقط در چارچوب دیداربا دیپلمات‌ها منحصر است. بعضاً میان نمایندگان حماس و برخی مقامات بلندپایه‌ی این کشورها چه در اراضی کشورهای مزبور و چه در خارج از آن دیدارهایی صورت می‌گیرد. (الحمد و برغوثی، ۱۳۸۲: ۳۰۵)

حماس موفق شد سطح ویژه‌ای از روابط را با تعدادی از کشورهای عربی و اسلامی برقرار کند که به توسعه‌ی حضور سیاسی و رسانه‌ای این جنبش کمک کرد. همچنین حماس چهره‌ی موفق‌تری از اعتبار و استقلال سیاسی خود در این کشورها ترسیم کرد و نیز این جنبش موفق شد برخی بحران‌ها را با پاره‌ای از این کشورها به‌رغم شرایط دشواری که پیش روی حماس قرار داشت، پشت سر بگذارد.

## ۲-۴. روابط حماس با سایر کشورهای عرصه‌ی بین الملل



در مورد روابط حماس با سایر کشورهای خارجی باید گفت جنبش حماس از برقراری روابط سیاسی با کشورهای خارجی رشته هدف‌هایی را تعقیب می‌کند که مهم‌ترین آن به این شرح است: معرفی جنبش حماس به گونه‌ای مستقیم به کشورهای خارجی به دور از تصویرسازی‌های رسانه‌های گروهی و یافتن پشتیبان در میان این کشورها و جلوگیری از اتخاذ تصمیمات زیانبار از سوی این دولت‌ها علیه حماس و تلاش برای دستیابی به موقعیت نمایندگی در این کشورها و برخورداری از پشتیبانی مادی و معنوی این کشورها در جهت تقویت سیاست‌های حماس در مقاومت علیه اشغالگران و جلب حمایت‌های بین‌المللی برای دفاع از حقوق ملت فلسطین بویژه حق تعیین سرنوشت و بازگشت آوارگان به میهن خویش. سیاست جنبش حماس در برقراری روابط با کشورهای خارجی روی محورهای زیر استوار است:

۱. جنبش حماس با همه‌ی کشورها صرفنظر از مواضع ایدئولوژیک و سیاسی آن‌ها به منظور خدمت به منافع فلسطین و آرمان‌های عادلانه‌اش ارتباط برقرار می‌کند.

۲. جنبش حماس معتقد است قلمرو کشمکش با رژیم صهیونیستی منحصرأ به سرزمین فلسطین محدود می‌شود و این جنبش با انتقال قلمرو کشمکش به هیچ صحنه‌ی خارجی موافق نیست.

۳. جنبش حماس با هیچ کشوری خصومت ندارد و هیچ برنامه‌ای برای حمله به منافع کشورهای جهان چه در فلسطین چه خارج آن ندارد.

۴. جنبش حماس می‌کوشد در کنار تلاش‌های بین‌المللی با هدف یاری رساندن به ملت فلسطین به منظور خارج کردن اشغالگران از سرزمین خود و یا حمایت از این ملت در برابر اقدامات وحشیانه‌ی نیروهای اشغالگر قرار گیرد. البته روابط جنبش حماس و کشورهای خارجی همچنان در مرحله‌ی گفت و گو قرار دارد. (همان: ۳۱۸)

**نتیجه‌گیری**



قیام عمومی مردم فلسطین تحت عنوان انتفاضه در هشتم دسامبر ۱۹۸۷م شروع شد. جنبش حماس در پی آن به رهبری احمد یاسین در چهاردهم دسامبر همین سال تشکیل شد. حماس به عنوان نماینده‌ی اخوان المسلمین در روند انتفاضه شرکت کرد و در این زمینه موفقیت‌های بسیاری کسب نمود. این جنبش تا سال ۲۰۰۶ سه استراتژی-مشارکت در قیام عمومی موسوم به انتفاضه، مخالفت با قرارداد ۱۹۹۳ اسلو و شرکت در فعالیت‌های سیاسی با حفظ اصول اساسی جنبش-را در مقاطع زمانی گوناگون اتخاذ نموده است. از دیدگاه حماس قرارداد ۱۹۹۳ اسلو استقلال و حاکمیت واقعی را برای فلسطینیان به ارمغان نمی‌آورد. به همین دلیل جنبش حماس با این قرارداد مخالفت ورزید. عوامل مختلفی همچون مرگ عرفات، ترور رهبران حماس، عقب نشینی اسرائیل از نوار غزه، خروج سوریه از لبنان و طرح مسئله‌ی خلع سلاح حزب الله باعث شرکت حماس در فعالیت‌های سیاسی شد. حماس در انتخابات شهرداری‌ها در سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ وارد میدان شد، توانست اعتماد مردم را جلب نماید و در پی آن با تکیه بر عنصر حمایت مردمی با قدرت وارد عرصه رسمی سیاست فلسطین شود. جنبش حماس در بعد روابط خارجی با کلیه‌ی کشورها نیز از اصولی پیروی می‌کند. این اصول به نحوی است که ضمن اینکه حماس در عرصه‌ی بین الملل از مشروعیت برخوردار می‌شود، در راستای اهداف خود نیز گام بردارد و منافع کشورهای مرتبط با این جنبش در عرصه‌ی بین المللی در معرض خطر قرار نگیرد.

## منابع

ابو عمرو، زیاد (آذر و دی ۱۳۷۲). «حماس پیشینه تاریخی و سیاسی»، ترجمه مرتضی قانون، فصلنامه دانش سیاسی، پیش شماره ۲.



الحمد، جواد و ایاد برغوثی (۱۳۸۲). **سیری در اندیشه سیاسی جنبش حماس**، ترجمه سیدحسین موسوی، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه. خبرگزاری مهر (۱۳۸۴/۳/۱۳). «حماس به دنبال اصلاحات در ساختار تشکیلات خودگردان است».

خدادادی، محمداسماعیل (پاییز ۱۳۸۳). «شکل‌گیری انتفاضه فلسطین، زمینه‌ها و چرایی، **فصلنامه دین و سیاست**، سال اول، ش ۱.

خسروی، غلامرضا (مرداد ۱۳۸۵). «چشم‌انداز آتی جنبش حماس»، گزارش پژوهشی پژوهشکده مطالعات راهبردی.

رضوی، سلمان (زمستان ۱۳۸۳). «تحلیل فرایند دموکراسی در فلسطین»، فصلنامه **نهضت**، سال پنجم، ش ۲۰.

رضوی، سلمان (پاییز ۱۳۸۴). «تحول در استراتژی حماس»، **فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام**، سال ششم، ش ۲۳.

روند تشکیل و فعالیت جنبش مقاومت اسلامی فلسطین»، ماهنامه **همشهری دیپلماتیک**، ش ۱۵، ۱۴/۴/۱۳۸۶

سعد ابوعامد، محمد (بهار ۱۳۸۰). «انتفاضه فلسطین: ۱۹۸۷-۱۹۹۰ و انتفاضه الاقصی، پژوهشی مقایسه‌ای و تحلیلی»، ترجمه مجتبی فردوسی پور، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال پانزدهم، ش ۱.

شیرودی، مرتضی (۱۳۸۱). **فلسطین و صهیونیسم**، قم: مرکز تحقیقات اسلامی سپاه.

صفتاج، مجید (۱۳۸۲). **فلسطین از اشغال تا انتفاضه**، تهران: انتشارات مدرسه رهبان.

فرهادی نیا، حمید (پاییز ۱۳۷۹). «اندیشه سیاسی حماس»، **فصلنامه نهضت**، سال اول، ش ۳.

قاسمی، علی پاشا (بهار ۱۳۸۵). «پیروزی حماس در انتخابات، فرصت‌ها و چالش‌ها»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، سال هفتم، ش ۲۵.  
کاظمی کرهرودی، حسین (۱۳۸۱). حمایت از انتفاضه فلسطین چرا؟، قم: انتشارات پیام دبیر.

کدیور، جمیله (۱۳۷۴). پشت پرده صلح، تهران: اطلاعات.  
صفا تاج، مجید (فروردین ۱۳۸۸). «آشنایی با حماس»، مجموعه مقالات نسیم قدس، بخش اول، ش ۷.

ملاابراهیمی، عزت (۱۳۸۲). فرهنگ معاصر فلسطین، شخصیت‌ها و جنبش‌ها، ج ۱، تهران: مؤسسه اندیشه سازان نور.

«گفتگوراه برون رفت از بحران»، ماهنامه همشهری دیپلماتیک، سال دوم، شماره ۱۳۸۶/۴/۱۵، ۱۵.

یوسف، ایمن «جنبش حماس و تجربه اسلام سیاسی در فلسطین»، پایگاه اطلاعاتی فلسطین